



ما زبان خویشتیم^۱
 کریگ سادربرگ (Craig Soderberg)

برگردان: محسن حافظیان

این سرزمین یکی دیگر از علت‌های در اقلیت قرار گرفتن این زبان به شمار می‌رود. ورود غیر بومیان مستقیمی وابسته به سازوکار اقتصادی بوده‌اند؛ مسایلی چون بازرگانی پوست حیوانات، جستجوی طلا و کشفیدن جاده به سوی آلاسکا. (ص. ۱۶). میک از ایدئولوژی سخن می‌گوید که تک زبانی را در دستور کار دارد، این ایدئولوژی در تضاد با گرایش پدر و مادران قرار می‌گیرد که اصرار می‌ورزند زبان بومی زبان نخست فرزندانشان باشد و نه زبان انگلیسی. شمار گویشگران زبان کاسکا در خور توجه است. میان ۳۰ تا ۵۰ درصد ساکنین منطقه‌ی واستون لیک، این زبان زبان نخستین گفتگو است و حداکثر ۱۵ درصد این مردمان از زبان انگلیسی، چونان زبان میانجی، در زندگی روزمره استفاده می‌کنند. میک از روند رو به رشد حضور این زبان به کمک رادیو و تلویزیون و متون نوشته شده گفتگو می‌کند، هر چند که تأثیر زبانهای دیگر از طریق همین ابزار بر زبان کاسکا مسکوت می‌گذارد. پرسشهای دیگری را در همین مورد می‌توان طرح کرد: آیا واقعا برنامه‌ای برای تقویت این زبان وجود دارد؟ آیا ساکنین این مناطق به پی‌آمدهای این گونه برنامه‌ها آگاهند؟ سمت و سو و زمانبندی این برنامه‌ها کدامند؟

پاورقی‌ها:

۱. Barbra A. Meek, (۲۰۱۰), We are our language: An ethnography of language revitalization in a Northern Athabaskan community, Tucson, University of Arizona Press.
۲. Kaska
۳. Yukon
۴. Watson Lake Kaska
۵. sociolinguistic disjuncture

این کتاب بنا دارد که گرایش به حفظ و گسترش زبان بومی مردمان کاسکا ۲ ساکن در سرزمین یوکن ۳ در غرب کانادا را تحلیل کند. هدف نویسنده این است که نشان دهد چگونه این گرایش سربرآورده است؛ افت بکارگیری زبانهای محلی در برابر استفاده روزافزون از زبان انگلیسی در سرتاسر این سرزمین به چشم می‌خورد است. (ص. ۱۳).

در فصل یکم، باربرا میک، نویسنده کتاب، تاریخ گروه قومی واتسون لیک کاسکا ۴ را، از حذف زبانهای محلی توسط استعمارگران تا گرایش به بازآوردن این زبانها به صحنه زندگی اجتماعی، معرفی می‌کند. در فصل دوم، وی به تشریح چهارچوب نظری «گسست اجتماعی - زبانی» ۵ و به داوی که زبانهای در خطر نابودی در برابر خود دارند می‌پردازد. در فصل سوم، نویسنده بر تأثیر دوجانبه زبان کاسکا بر کودکان و دیگرانی که این زبان را می‌آموزند نگاه می‌دارد و در فصل چهارم، وی به توضیح روشهایی که به دست «متخصصین» بومی (پژوهشگران، زبان‌شناسان و آموزگاران) برای «بازساختن» [دوباره] این زبانها به کار گرفته شده‌اند، اشاره کرده است. منظور از «بازساختن»، جایگزین کردن [عناصری از] گویشهای برجا مانده و گاه انگلیسی برای کامل کردن ساختمان زبانی بوده است. در فصل پنجم، نویسنده از نقش زبانهای بومی کانادا در دولت و دیگر امور ملی می‌پردازد. در فصل پایانی، میک پیوندی را میان موضوع گسست زبانی دیگر دلمشغولیهای نظری و کاربردی در حوزه زبان بازمی‌شناساند.

در این اثر، نویسنده از علت‌های بسیاری که زبان کاسکا را به حاشیه رانده است نام می‌برد. حکمرانان کانادایی مستقر در این منطقه به میراث فرهنگی آسیب رسانده‌اند؛ تغییر اجباری لباسهای محلی، آرایش سر، آیینهای دینی و زبان به گونه مطلوب مریبان و قانون‌گذاران از آن جمله‌اند. مستقر شدن انبوه غیربومیان در